

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال پنجم- زمستان 1404-شماره 23-ص 178-191

سیاست های مالی در کلام امام علی(علیه السلام) از منظر نهج البلاغه

لیلا مقتدرن^۱

چکیده

عادل ترین حکومت تاریخ به دست امام علی علیه السلام اداره شده است و از جمله چالش های موجود در همه کشورها برای رسیدن به توازن و عدالت اجتماعی، بحث اقتصاد کشور می باشد و کشورهای اسلامی از این چالش مستثنی نبوده و جهت نیل به این مطلوب، ضروری است تا در حکومتی که توسط حضرت علی اداره می گردید، مطالعاتی با هدف دستیابی به عناصر و مؤلفه های اقتصادی حکومت ایشان انجام داده باشیم. از این جهت بر آن آمده ایم تا با نگاهی دقیق در فرمایشات ایشان در نهج البلاغه، سیاست های مالی ایشان را گرد آورده و در پژوهش مقابل ارائه بدهیم. و از عوامل و روش های آنان جهت بهبود وضع اقتصاد بهره جسته و به سه عنوان کلی سیاست ((تولید سرمایه و درآمد برای حکومت))، ((موارد توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع)) و ((نظارت بر توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع)) با روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه ای دست بیابیم.

واژگان کلیدی: سیاست های مالی-امام علی (علیه السلام)-نهج البلاغه-راهبرهای اقتصادی-مدیریت علوی

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) خواران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

در جوامع بشری همواره حکومت‌ها تلاش کرده‌اند که موجبات آسایش و رفاه مردم خود را فراهم نموده و این امر جز با رونق اقتصادی میسر نمی‌گردد. بنابراین بهره‌گیری از برنامه‌ای مشخص را می‌طلبند. اهمیت بحث آنجا روشن می‌شود که با اندکی دقت در جامعه خود درمیابیم که جامعه اسلامی با چالش‌هایی در عرصه اقتصادی درگیر می‌باشد. پس ضروریست جهت دستیابی به سیاست‌های حاکم بر مدیریت اقتصادی امام علی علیه السلام که حاوی والاترین و کامل‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌ها جهت مدیریت اقتصادی جامعه اسلامی می‌باشد، تتبع و جستجویی دقیق به فرامین ایشان در نهج البلاغه که متوجه والیان و کارگزاران حکومتی ایشان داشته و این سیاست‌ها و راهکارها را استخراج نماییم. در واقع عدم توجه به این امر مهم، موجب وقفه در چرخه اقتصاد و مفسد اقتصادی شده و چه بسا در صورت موفقیت در عرصه اقتصاد ممکن است سیاست‌های اتخاذ شده در این عرصه مخالف با احکام شریعت و سیره معصومین گردد.

پژوهش مقابل در صدد آن است که از میان فرمایشات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه که حاوی نامه‌ها و خطبه‌هایی که به سیاستمداران تحت نفوذ خود در زمان حکومت شان ایراد شده است، به این سوال پاسخ بدهد که سیاست‌های مالی حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه چه بوده و ایشان چه سیاست‌هایی در این رابطه اتخاذ کرده بودند تا بتوانیم آن سیاست‌ها را الگوی راه‌گشایی برای مسئولان فعال در حوزه اقتصاد و در نهایت ایجاد توازن اقتصادی در جامعه اسلامی قرار بدهیم. لازم به ذکر است که این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای به دست آمده است.

قبل از این پژوهش، نوشته‌هایی نیز در این راستا به رشته تحریر درآمده است از جمله مقاله آقای محمد مولایی با مقاله‌ای تحت عنوان ((آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه)) در سال 92 و همچنین سرکار خانم مریم شجاعی حقیقی و آقای مهدی مردانی مقاله‌ای با عنوان ((مؤلفه‌های مدیریت اقتصادی امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه)) که نمونه از پژوهش‌هایی انجام شده در این موضوع می‌باشد.

مفاهیم

سیاست: در عربی از ماده (س ی س) و به معنی حفاظت و نگه داری می‌باشد.¹ در اصطلاح نیز اداره کردن امور و فراهم ساختن اسباب رفاه و امنیت مردمی که در یک شهر یا کشور زندگی

¹ لغتنامه دهخدا، واژه سیاست

می‌کنند.^۱ کوشش برای نگهداری یا بدست آوردن قدرت یا کاربست قدرت دولت در جهت هدف‌ها و درخواست‌های گوناگون. سیاست به معنای باستانی کلمه، دخالت در امر عمومی و به معنای جدید، شهر مدرن صنعتی است که کنشگرانش به سیستم سازمان دهنده آن مشروعیت می‌دهند.

سیاست مالی: عبارت است از سیاست دولت درباره سطح خریدهای دولت، سطح پرداخت‌های انتقالی و ساختار مالیاتی.^۲ در اقتصاد و علوم سیاسی؛ سیاست مالی از دو ابزار درآمد دولت (مالیات) و مخارج دولت (هزینه) برای تأثیرگذاری در اقتصاد استفاده می‌کند.

نهج البلاغه: برگزیده‌ای از نامه‌ها، خطبه‌ها و سخنان امام علی علیه السلام است که سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری آنها را جمع‌آوری کرد. این کتاب به دلیل محتوا و بلاغتش، به «أخ القرآن» (برادر قرآن) نام‌گذاری شده است. برخی از ادیبان عرب، فصاحت و بلاغت نهج البلاغه را ستوده‌اند. این کتاب در سه قسمت خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار دسته‌بندی شده است. امام در بسیاری از خطبه‌ها، مردم را به انجام دستورات الهی و ترک محرمات دعوت کرده و در بخشی از نامه‌ها که خطاب به فرمانداران است، آنها را به رعایت حق مردم سفارش کرده است.

سیاست‌های مالی امام علی ((علیه السلام)) در نهج البلاغه
بر اساس تتبع و بررسی صورت گرفته در موضوع سیاست‌های مالی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه سه اصل اقتصادی ((تولید سرمایه و درآمد برای حکومت)) و ((موارد توزیع درآمد سرمایه)) و ((نظارت بر توزیع درآمد و سرمایه)) به دست آمدند.

1. تولید سرمایه و درآمد برای حکومت

اقتصاد، جزء ارکان اساسی هر حکومتی به شمار می‌رود که برای قوام خود و همچنین اداره امور ناچار به تامین ثروت از منابع سرمایه و ثروت ساز می‌باشد. هر چه سرمایه موجود بیشتر باشد، سرعت تولید افزایش یافته و در نتیجه رفاه و آسایش بیشتری حاصل خواهد شد. در حال حاضر حکومت‌ها هر کدام برای خود منابع درآمد مختص خود را دارند که با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور، متفاوت است.

ایران و ممالک عربی با تکیه بر منابع نفتی خود نسبت به تولید ثروت حکومت خود فعالیت‌هایی انجام می‌دهند. کشورهایمانند ترکیه و یا کشورهای اروپایی با توجه به ظرفیت جاذبه گردشگری موجود در کشورشان اقدام به جذب ثروت از طریق گردشگران می‌نمایند.

^۱ فرهنگ فارسی عمید، واژه سیاست

^۲ دورنبوش، رودریگر و فیشر، استانی. اقتصاد کلان. ترجمه تیزهوش تابان، محمدحسین.

مهمترین منابع تولید ثروت عصر حکومت امام علی علیه السلام که بسیار هم مورد توجه ایشان قرار داشت، خراج و زکات می باشد که به بررسی رهنمودهای ایشان در این دو مورد می پردازیم:

الف: زکات

زکات یکی از دو منبع اصلی درآمد حکومت اسلامی در ابتدای ظهور اسلام به شمار می آمد. امر زکات از نوع واجب مالی-عبادی است که سبب نزدیکی به خداوند متعال می شود. امام علی علیه السلام درباره زکات می فرمایند: { همانا پرداخت زکات و اقامه نماز، عامل نزدیک شدن مسلمانان به خداست، پس آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفاره گناهان او می شود، و باز دارنده و نگهدارنده انسان از آتش جهنم است. پس نباید به آنچه پرداخته با نظر حسرت نگاه کند، و برای پرداخت زکات افسوس خورد، زیرا آن کس که زکات را از روی رغبت بپردازد، و انتظار بهتر از آنچه را پرداخته داشته باشد، به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نادان است، و پاداش او اندک، و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود.^۱

در واقع امر زکات در تفکر امام علی علیه السلام گذشته از ابعاد اخلاقی، دارای فواید اقتصادی-اجتماعی نیز می باشد: {و پرداخت زکات، برای مصرف شدن میوه جات زمین و غیر آن، در جهت نیازمندیهای فقرا و مستمندان است.^۲ و زکات را عامل فزونی روزی^۳ و امواتان را با زکات دادن نگاه دارید^۴}

مضاف بر منابع نه گانه جهت اخذ زکات که در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله تشریح شد، ایشان علیه السلام مالیات مشابهی که عنوان زکات به آن تعلق یافته بود، مقرر نمودند که زکات بر اسب از جمله آن نوع می باشد.^۵ دلیل بر این امر نیز آن بود که چهارپایانی همچون شتر و اسب در زمره حیواناتی بودند که به عنوان غنیمت در جنگ ها گرفته می شدند و در عصر حکومت امام علی علیه السلام از اسب در جنگ ها استفاده بسیاری می شد و نیز زاد و ولد این حیوان که موجب کثرت جمعیت آنها شده بود، به صلاح دید آن حضرت این تغییر در اضافه شدن یکی از منابع دریافت زکات نیز به وجود آمد.^۶

ب: خراج

^۱ نهج البلاغه خطبه ۱۹۹

^۲ همان، خطبه ۱۹۲

^۳ همان، حکمت ۲۵۲

^۴ همان، حکمت ۱۴۶

^۵ الکافی جلد ۳ صفحه ۵۳۰

^۶ نظام اقتصاد علوی صفحه ۷۶

دومین منبع درآمد و تولید سرمایه حکومت در عصر حکومت حضرت علی علیه السلام، خراج بوده است. در حقیقت امر خراج جایگاه خاصی در سیاست‌های مالی حکومت ایشان داشت. چراکه مقدار و میزان اخذ خراج با صلاح دید حکومت اسلامی معین می‌شود، در نتیجه حکومت می‌تواند با توجه به شرایط و اهداف سیاسی و مصالح جامعه اسلامی، اقدام به تعیین و مقرر نمودن میزان آن نماید. حضرت علی علیه السلام مهمترین منش سیاسی خودشان را در نامه به مالک اشتر بیان می‌دارند که علاوه بر تذکر آن، به نتایج آن نیز اشاره نموده و پس از آن به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

حضرت علی علیه السلام در بخشی از نامه ایشان به مالک اشتر می‌فرماید: {مالیات و بیت المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشک‌سالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد، و رعیت تو را می‌ستایند، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است، و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند، و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند.^۱ {با تامل و دقت در این فراز از نامه ایشان به مالک اشتر به این نکات دست می‌یابیم:

یک: دریافت خراج، حائز اهمیت‌ترین راه تامین سرمایه رفاه عموم مردم است. ایشان علیه السلام در حقیقت اصلاح اوضاع معیشتی مردم و استواری لشکریان را در امر خراج می‌بینند.

¹ نهج البلاغه، نامه 53

دو: بهبود خراج و عاملان در خراج، وابسته به وجود امنیت قضایی و کارگزاران حکومتی به ویژه عاملان در امور مالیاتی با انصاف و مردمدار است.

سه: اخذ خراج نباید جلوگیری از رشد تولید گردد. در نتیجه حکومت باید مقدار خراج را با توجه به قدرت پرداخت مردم و انگیزه‌های سرمایه گذاری در مردم مقرر بنماید.

چهار: تخفیف‌هایی که شامل مالیات می‌گردد، در واقع سرمایه‌ای در دست مردم می‌باشد که با به کارگیری آن در عرصه تولید، درآمدهای آن به حکومت نیز باز خواهد گشت.

پنج: تخفیف مالیاتی، اعتماد مردم را در پی خود داشته و موجب مشارکت عمومی مردم در این امر می‌گردد.

در نتیجه با بررسی کتب حدیثی و تاریخی می‌توان گفت که زکات و خراج دو منبع مهم و اساسی تولید ثروت در عصر حکومت علوی بودند.

2. موارد توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع

توزیع صحیح بیت المال در بین مردم، از جمله سیاست‌های امام علی علیه السلام در راستای مدیریت اقتصادی، است. توزیع سرمایه و درآمدهای حاصل از منابع ذکر شده به طور صحیح، در مدیریت اقتصاد اسلام، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه به موجب آن، سرمایه موجود در بین همه افراد جامعه تقسیم شده و از انحصار آن در گروهی خاص ممانعت خواهد کرد. در نتیجه توزیع صحیح درآمد، فقر بین مردم از بین رفته و موجب خواهد شد که عمده مردم از سطح معیشت در حد رضایت بهره‌مند گردند. بنابراین توازن اقتصادی که رعایت حقوق همه اقشار جامعه را به همراه دارد، بدون برنامه‌ریزی به نحوه صحیح در عرصه توزیع و مدیریت شایسته امکانپذیر نمی‌باشد.^۱

همانگونه که در عصر حکومت حضرت علی علیه السلام این امر به نحوه‌ای شایسته تحقق پیدا کرده بود. در واقع با توجه به فرمایشات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، برنامه‌ریزی برای توزیع درآمد و سرمایه حکومت را می‌توان تحت یک عنوان کلی دنبال کرد؛ یعنی توزیع سرمایه و درآمدهای حاصل از منابع مالی. امام علی علیه السلام در سخنان خود به چندین مورد توزیع ثروت اشاره می‌نماید:

الف: توزیع در عمران و آبادی

از مهمترین موارد مصرف بیت المال، هزینه کردن آن در زمینه عمران و آبادی می‌باشد؛ چرا که از دیدگاه امام علی علیه السلام: {بر مملکت آباد آنچه را بار کنی تحمل کشیدنش را دارد}^۲

^۱ دانشنامه امام علی علیه السلام جلد ۷ صفحه ۶۷

^۲ همان، نامه ۵۳

آبادانی سرزمین اسباب رضایت و همکاری مردم را در شرایط بحرانی فراهم می‌نماید و از سقوط جامعه جلوگیری می‌کند. بنابراین امام علی علیه السلام به کارگزاران خود درباره دریافت خراج بدون مصرف آن برای عمران و آبادانی هشدار داده و می‌فرماید: «ولی باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه زمین باشی، زیرا خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی»^۱ نتیجه آنکه ایشان علیه السلام برای حکومتی که به فکر آبادانی و عمران مملکت نبوده و صرفاً اهتمام به جمع آوری خراج دارد، سه عاقبت مذموم را متذکر می‌شوند: نخست؛ ویرانی اراضی؛ با توجه به حکومت‌های مختلف در طول تاریخ، در مناطقی که دولت‌ها خراجی غیرقابل تحمل بر زمین‌ها قرار می‌دادند و به عمران آن نمی‌اندیشیدند، کشاورزان، زمین‌ها را به حال خود رها نموده و برای در امان ماندن از جمع‌آورندگان خراج به مناطق دیگر می‌گریختند. دوم آنکه مردم به سمت هلاکت و نابودی سوق داده می‌شوند؛ چراکه فقر زندگی آن عده را فرا می‌گیرد. نتیجه سوم نیز از همین جا به دست می‌آید؛ چراکه فقر فراگیر موجب سرباز زدن توده‌های مردم، بلکه شورش بر علیه دولت می‌شود؛ آن هم دولت و حکومتی که دستش خالی بوده و سرمایه و درآمدی ندارد. چنین حکومتی چند صباحی بیشتر ایستادگی نخواهد کرد.^۲

ب: تامین نیاز مالی نظامیان

در زمان امام علی علیه السلام که حکومت اسلامی گسترش یافته بود، برای مقابله با لشکریان سازمان یافته دشمنان، مسلمانان به سپاه اسلام سازمان دادن و پادگان‌هایی برای آن‌ها فراهم ساختند. چنین عده‌ای که خود را آماده جانفشانی جهت حفظ کیان اسلامی کرده است، الزاماً از نظر معیشت باید فارغ البال باشند؛ بدین ترتیب حکومت اسلامی، قسمتی از مالیات به نام خراج و نیز سهمی از زکات را به عنوان «(فیسبیل الله)» برای آن عده مقرر نموده است. امام علی علیه السلام به کارگزار خود می‌فرماید: «امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد، و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند»^۳

ایشان علیه السلام در پی توصیه‌هایی را نیز به سرداران و فرماندهان لشکر خود داشته و برگزیده‌ترین آن‌ها را کسانی می‌داند که در صدد حل مشکلات معیشتی و اقتصادی لشکریان خود برآید؛ ایشان می‌فرماید: «برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که از همه بیشتر به

^۱ همان

^۲ پیام امام امیرالمومنین جلد ۹ صفحه ۵۱۹

^۳ نهج البلاغه، نامه 53

سربازان کمک رسانند، و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه، و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن، سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند.^۱

ج: تأمین نیاز مالی کارمندان حکومت

در یک مدیریت اقتصادی موفق، تأمین زندگی و امنیت کاری کارکنان، از امور حیاتی شمرده می‌شود تا در برابر زحمتی که می‌کشند، دغدغه معاش و گذراندن زندگی آبرومند نداشته باشند. امام علی علیه السلام به این مسئله مهم بسیار تأکید می‌کرد؛ چنانکه در عهدنامه بی‌بدیل خویش به مالک اشتر می‌نویسند: «سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.»^۲

تأکید امام علی علیه السلام به این سبب است که وظیفه اصلی کارمندان و کارگزاران در اداره امور، در همه مراتب، امانت‌داری و خدمت‌گذاری است و کسانی می‌توانند به خوبی و به درستی این وظیفه را ادا کنند که رفاه و آسایش برایشان مهیا شده باشد. همچنین اتمام حجتی است برای آنان که به بیت المال دست درازی می‌کنند.

3. نظارت بر توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع

نظارت بر توزیع ثروت در جامعه از مهمترین عوامل برقراری توازن اقتصادی و جلوگیری از مفاسد اقتصادی در جامعه می‌باشد. از این رو که در این مرحله سرمایه و بیت المال به دست آمده، در حیطه و اختیار کارگزاران قرار گرفته است. امام علی علیه السلام، جلوگیری از افتادن بیت المال به دست افراد سودجو را از اصلی‌ترین انگیزه و دلایل خود در پذیرفتن خلافت را متذکر می‌شوند.^۳ ایشان پس از رسیدن به امر خلافت اسلامی، نیز مواضع شفاف و صریحی را در این باره اتخاذ نموده و خیانت به امت را بزرگترین خیانت معرفی می‌نمایند.^۴

در نتیجه دوات و حکومتی دارای ارزش می‌باشد که با مقرر ساختن توازن اقتصادی، سعی در آن داشته باشد که رضایت بر توده مردم جامعه آورده و انگیزه و اهتمام مردم را در جهت کار و تلاش، رونق تولید و بهره‌وری روز به روز فزونی بخشد. با توجه به فرمایشات ایشان عواملی چند در تحقق این امر مهم به دست آمده است که در ذیل به آن اشاره می‌نماییم:

الف: وجود حاکمان و کارگزاران عادل

^۱ نهج البلاغه، نامه 53

^۲ همان

^۳ همان، نامه ۶۲

^۴ همان، نامه ۲۶

همانطور که سابقا بیان شد، امام علی علیه السلام یکی از عوامل جلوگیری از مفاسد اقتصادی و اجتماعی را سر کار بودن حاکمان و کارگزاران متدین و متعهد به فرامین خداوند می‌دانند؛ همانگونه که ایشان در نامه خود به مالک اشتر، خصوصیات و سیمای کارگزاران حکومت اسلامی را معین و مشخص نموده می‌فرمایند: «سپس در کار عاملان خود بیندیش، و پس آزمودن به کارشان بگمار، و به میل خود و بی‌مشورت دیگران به کاری مخصوصشان مدار، که به هوای خود رفتن و برای دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت، و عاملانی این چنین را در میان کسانی جو که تجربت دارند و حیا، از خاندانهای پار سا که در مسلمانی قدمی پیشتر دارند، اخلاق آنان گرامیتر است و آبروشان محفوظتر و طمعشان کمتر، و عاقبت نگری شان فروتر. پس روزی اینان را فراخ دار که فراخی روزی نیروشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند، و بینبازیشان بود، تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند، و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند، یا در امانت خیانت ورزیدند.»^۱

همانطور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه امام علی علیه السلام یکی از راه‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی در حکومت، انتصاب کارگزاران و عمال سالم، مجرب، دارای سابقه درخشان و خوشنام می‌باشد و دادن حقوق مکفی از جمله عوامل کلیدی است که مانع فسادهای مالی توسط آنان می‌باشد.

ب: برخورد با رانت خواری

رانت‌خواری را می‌توان یکی از موارد توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه به شمار آورد؛ چراکه به با استفاده آن، زمامداران برای اقرباء خویش امتیازاتی خاص به نسبت دیگر مردمان قائل می‌شوند. حضرت علی علیه السلام برخورد جدی با پدیده رانت‌خواری را یکی از اهداف اصلی خود را درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی قرار داده و بر آن پای فشرده است. ایشان علیه السلام به مالک اشتر می‌فرمایند: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خود خواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان،»^۲

در واقع نوع تصمیمات و برخورد حاکم در رویارویی با موافقان و مخالفان حکومت، عامل اصلی پیدایش این آفت می‌باشد. حکام پس از نیل به قدرت، برای اقرباء خویش و همچنین کسانی که در به قدرت رسیدن وی نقش داشته‌اند، امتیازهای ویژه‌ای اختصاص داده و برخی مواقع نیز با نادیده گرفتن تخلفات و جرائم آنان، پیش زمینه بهره‌گیری هر چه بیشتر را از سرمایه عمومی فراهم می‌سازند. تا آنجا که دولت به ابزاری برای نیل به تمایلات شخص حاکم و وابستگان وی

^۱ همان، نامه ۵۳

^۲ همان

تبدیل می شود. بدین جهت حضرت علی علیه السلام همواره درباره به وجود آمدن این آفت مذموم هشدار می داد. ایشان علیه السلام به مالک اشتر فرمودند: {و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن، و به گونه ای با آنان رفتار کن که قرار دادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند.^۱}

ج: نظارت دقیق بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی یکی از راهکارهایی است که امام علی علیه السلام جهت ممانعت از فساد مالی مطرح می کنند، نظارت دقیق بر رفتار و اعمال کارگزاران حکومتی می باشد. حضرت علی علیه السلام در تمام ولایات و بلاد اسلامی تحت حاکمیت خویش گروهی را به عنوان چشم و گوش خویش به کار گذاشته بودند که گزارش اعمال کارگزاران و عمال حکومتی را به ایشان گزارش می دادند. ایشان علیه السلام به مالک اشتر نظارت دقیق بر اعمال و رفتار عمال و کارگزاران حکومتی را بدین شرح، مطرح می فرمایند:

{پس در کارهایشان تفقد کن و کاوش نمای و جاسوسانی از مردم راستگوی و وفادار به خود بر آنان بگمار. زیرا مراقبت نهانی تو در کارهایشان آنان را به رعایت امانت و مدارا در حق رعیت وامی دارد. و بنگر تا یاران کارگزارانت تو را به خیانت نیالایند. هر گاه یکی از ایشان دست به خیانت گشود و اخبار جاسوسان در نزد تو به خیانت او گرد آمد و همه بدان گواهی دادند، همین خبرها تو را بس بود. باید به سبب خیانتی که کرده تنش را به تنبیه بیازاری و از کاری که کرده است، بازخواست نمایی. سپس، خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او زنی و ننگ تهمت را بر گردنش آویزی.^۲}

د: برخورد قاطع با اشخاص خطاکار در توزیع ثروت به جرئت میتوان اذعان نمود که مهم ترین و در عین حال حساس ترین قسمت نظارت در یک نظام اقتصادی، برخورد جدی و قاطع با کارگزاران خطاکار در توزیع سرمایه و بیت المال می باشد؛ چنانچه که حضرت علی علیه السلام شدیدترین تعزیز و تنبیه ها را متوجه کسانی می ساخت که نسبت به سرمایه و بیت المال مسلمین خیانت می کردند. ایشان به یکی از کارگزاران حکومتی خویش که در تقسیم غنیمت ها حاصل از جنگ خیانت کرده بود چنین می نویسند:

¹ همان

² همان

{پس آنگاه که فرصت خیانت یافتی شتابان حمله ور شدی، و با تمام توان اموال بیت المال را که سهم بیوه زنان و یتیمان بود، چونان گرگ گرسنه ای که گوسفند زخمی یا استخوان شکسته ای را می رباید، به یغما بردی، و آنها را به سوی حجاز با خاطری آسوده، روانه کردی، بی آن که در این کار احساس گناهی داشته باشی؛ پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان، و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهیم کرد، که نزد خدا عذر خواه من باشد، و با شمشیری تو را می زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید.} ^۱

این برخورد از آن حکایت دارد که آن حضرت در این باره نظارتی دقیق و بی شائبه اعمال می کرد و در صورت احراز جرم بدون هیچ سازش و مسامحه وی را به شدت مجازات می نمود.

ه: نظارت بر بازار

بازار به عنوان یکی از مهم ترین مراکز اقتصادی جامعه، اهمیتی مضاعف دارد و نظارتی لحظه به لحظه و مستمر را طلب می کند. در نتیجه حضرت همواره اوضاع بازار را زیر نظر داشته و ضمن دعوت بازاریان به رعایت موازین اخلاقی، به بررسی نرخ ها مبادرت می ورزیدند و با گرانفروشی و احتکار نیز سخت مبارزه می کردند.

از آنجا که عصر حکومت امام علی علیه السلام به دلیل محدود بودن طرق ارتباطی معاملات به صورت رو در رو صورت می گرفت، آنچه که مقصود از بازار در آن دوره می باشد، محل و مکانی معین بود که فروشندگان و خریداران گرد هم آمده و به داد و ستد می پرداختند. ^۲ حال به برخی از این نظارت ها در بازار اشاره می کنیم.

یک: جلوگیری از گرانفروشی و نظارت بر قیمت ها

نظارت دقیق بر قیمت ها یعنی میزان سنجش عادلانه باشد. در واقع امر کم فروشی و تقلب در کار نبوده به نحوی که هم از تولیدکننده و هم از مصرف کننده حمایت گردد. چراکه هرگاه صرفاً به نفع مصرف کننده باشد تولیدکنندگان زیان خواهد دید و در نتیجه دست از تولید می کشند و خود این امر عامل اصلی گرانی و کمبود جنس در بازار می گردد و در صورتیکه فقط جانب تولید کننده در نظر گرفته شود و با منافع بیش از حد اجناس خود را عرضه کنند، این مصرف کننده است که به زحمت خواهد افتاد. ^۳ ایشان علیه السلام به کارگزار حکومتی خود چنین امر می نمایند: {باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه ای که در بها، نه فروشند زیان ببیند و نه بر خریدار اجحاف گردد.} ^۴

^۱ همان، نامه ۴۱

^۲ دانشنامه امام علی علیه السلام جلد ۷ صفحه ۴۹۷

^۳ پیام امام امیرالمومنین جلد ۹ صفحه ۵۱۹

^۴ نهج البلاغه نامه ۵۳

دو: جلوگیری از احتکار و برخورد با محتکران

پدیده مذموم احتکار از جمله عواملی است که موجب به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازار گشته و سبب ازدیاد قیمت‌ها و زوال امنیت اقتصادی در جامعه می‌گردد. ممانعت از احتکار موجب می‌شود، قیمت‌گذاری متناسب با عرضه و تقاضا عادلانه گردد.^۱ گاهی بازرگانان جهت رسیدن به سود بیشتر، از مسیر سالم خود منحرف گشته و بازار سیاه ایجاد کرده و به دنبال احتکار می‌روند؛ بدین جهت حضرت علی علیه السلام در سخنانشان به آن‌ها هشدار داده و خطاب به مالک می‌فرمایند: {این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند. و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن.} ^۲

^۱ دانشنامه امام علی علیه السلام جلد ۷ صفحه ۵۱۹

^۲ نهج البلاغه نامه ۵۳

نتیجه گیری

حکومت اداره شده توسط امیرالمومنین علی علیه السلام از عادلترین حکومتها در عرصه اقتصاد و توازن اجتماعی تاریخ به شمار میرود. ایشان سیاستهایی را جهت اداره حکومت اتخاذ نموده بودند که با مطالعه و جستجو در کتاب نهج البلاغه توانستیم این سیاستها را در سه بخش ((تولید سرمایه و درآمد برای حکومت))، ((موارد توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع)) و ((نظارت بر توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع))، در قالب این پژوهش ارائه بدهیم. ایشان در سیاست اقتصادی بخش تولید سرمایه و درآمد، دو منبع درآمد ((زکات)) و ((خراج)) را ذکر مینمایند که در عصر ایشان نیز متداولترین منبع درآمد هر حکومتی به حساب می آمدند. در بخش موارد توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع نیز سیاستهایی چون ((توزیع در عمران و آبادی)) و ((تامین نیاز مالی نظامیان)) و ((تامین نیاز مالی نظامیان)) را متذکر میشوند و در نهایت در بخش نظارت بر توزیع سرمایه و درآمد حاصل از منابع، سیاستهای ((وجود حاکمان و کارگزاران عادل)) ((برخورد با رانت خواری)) ((نظارت دقیق بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی)) ((برخورد قاطع با اشخاص خطاکار در توزیع ثروت)) و ((نظارت بر بازار)) که این سیاست شامل دو بخش ((جلوگیری از گرانفروشی و نظارت بر قیمتها)) و ((جلوگیری از احتکار و برخورد با محتکرین)) می باشد را جهت نظارت هر چه دقیقتر بر توزیع ثروت در جامعه معرفی می نمایند.

منابع

1. نهج البلاغه، ترجمه دشتی
2. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ 1، 1377 ه.ش
3. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر، چاپ 3، 1380 ه.ش
4. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سید حسن شیخ الاسلامی، قم: انتشارات انصاریان، چاپ 4، 1377 ه.ش
5. دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، تهران: انتشارات دریا، چاپ 1، 1379 ه.ش
6. ر شاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ 5، 1389 ه.ش
7. رودریگر دورنبوش و استانلی فیشر، اقتصاد کلان، ترجمه: تیزهوش محمدحسین، تهران: سروش، چاپ 7، 1397 ه.ش
8. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ 3، 1369 ه.ش
9. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمومنین، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ 1، 1379 ه.ش
10. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1387 ه.ش